

روند و فرایند تحولات تاریخی ساختار فرهنگی _ اجتماعی اقوام ایرانی با تاکید بر قوم ترکمن

غلامرضا حسنی^۱

چکیده

ترکمن‌ها شاخه‌ای از ترکان آسیای میانه‌اند که از عهد قدیم در صحرای وسیع بخش سفلی رود سیحون و بین دریای آرال به زندگی کوچ‌نشین روزگار می‌گذراندند. تا حدود قرن هفتم میلادی ترکمن‌ها جزئی از قوم بزرگ ترک بودند. در این سال‌ها به دنبال اضمحلال امپراطوری گوگ تۆرک، گروهی از ترک‌ها که اغوز نامیده می‌شدند، از آنان جدا شده و از ناحیه ارخون به طرف آرال و سیردریا کوچ کردند. مراکز عمده سکونت ترکمن‌ها عبارتند از: ترکمنستان، ایران، افغانستان، عراق، ترکیه، اردن، سوریه و چین، تاجیکستان، روسیه، ازبکستان. ایران یکی از مراکز عمده اسکان ترکمن‌هاست. ترکمن‌های ایران بیشتر در جنوب شرقی دریای خزر و در ترکمن‌صحرا سکونت دارند. از لحاظ استانی، سکونت‌گاه‌های آنها در استان‌های گلستان، خراسان رضوی (تربت جام) و خراسان شمالی پراکنده است. جمعیت ترکمن‌های ایران به حدود دو میلیون نفر می‌رسد. از شهرهای مهم ترکمن‌ها در ایران می‌توان بندر ترکمن، آق قلا و گنبد قابوس را نام برد. نام ترکمن از قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) نخست به شکل جمع فارسی «ترکمانان»، توسط نویسندگان ایرانی مانند گردیزی و ابوالفضل بیهقی استعمال شده و به همان معنی اغوز در ترکی و غز در عربی و فارسی به کار رفته است.

واژه ی «اغوز» اولین بار در اوایل قرن هشتم پس از میلاد، به زبان ترکی و بر کتیبه‌هایی در مغولستان ظاهر شد. اغوزها یکی از بخش‌های عمده امپراتوری چادر نشین بودند که از چین تا استان‌های مرزی ایران، بیزانس و تا رود ولگا گسترش داشتند. مطابق این کتیبه‌ها، اغوزها از نه قبیله تشکیل می‌شدند. برخی از نویسندگان معتقدند که اغوزها بیست و چهار قبیله بوده‌اند. نام «ترکمن» اولین بار در اواخر قرن دهم میلادی ظاهر شد، بررسی اصل و معنی کلمه «ترکمن» نشان می‌دهد که اغوزهای غیر مسلمان اغوزهای مسلمان را «ترکمن» نامیدند. بعدها نام «ترکمن» فقط بوسیله اغوزها بکار رفت. هر چند که نام اجدادی خود را فراموش نکردند.

حوادث نیمه دوم قرن دهم و نیمه اول قرن یازدهم نقش مهمی در تاریخ اغوزها بازی کرد. این حوادث شامل گرویدن آنها به اسلام و ظهور سلسله سلجوقی بود. در این زمان اغوزها، خان نداشتند، بلکه ییغو (شاه) داشتند که در کتیبه‌های ترکی مغولستان هم از آن یاد شده است.

واژگان کلیدی: اغوز، ترکمن، آق قویونلو، قارلوق، ذکر خنجر، خرافات، اقتصاد، فرهنگ

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۹/۳

مقدمه

به گفته و تایید بسیاری از مورخین، موجودیت ملی ترکمن از قرن دهم میلادی آغاز می شود. از این دوره، طوایف مختلف ترکمن در صحنه اکثر نبردها و سیاست گذاری ها حضور داشته اند. ظهور امپراتوری سلجوقیان در آسیای صغیر، شکل گیری و گسترش امپراتوری عثمانی، حاکمیت سیاسی مغول ها در هندوستان، حکم رانی آق قویونلوها و قراقویونلوها در قفقاز و شمال غربی ایران، همه و همه با حضور فعال ایلات مختلف ترکمن صورت گرفته است. ترکمنستان، موطن تاریخی ترکمن ها، خود سرزمین اجدادی اقوام ایرانی: پارت ها، داهه ها^(۱)، ماساگت ها^(۲)، آلان ها، آس ها و خراسانی ها بوده است و از این لحاظ ترکمن ها میراث دار فرهنگ و تمدنی کاملاً ایرانی بوده اند و به گفته آ. یو. یاکوبوفسکی در شکل گیری و توسعه این تمدن نقش ترکمن ها کمتر از سایر اقوام نبوده است.

پیشینه تاریخی و ماهیت واژه ترکمن

در نیمه دوم قرن گذشته وامبری این گونه می گوید: «قبول این دیدگاه که اجتماعاتی را که اعراب به آنها نام «غز» را داده اند، ترکمن های زمان ما هستند، کاملاً درست است»^(۳). نمت با استناد به هوستما^(۴) می نویسد که «ترکمن ها به جای اسم قدیمی خود یعنی «اوغوز» نام «ترکمن» را گرفته اند. در اوایل قرن دوازدهم مدتی نام اوغوز و ترکمن را بطور مشترک بکار برده اند^(۵). و مینورسکی در یکی از آثارش می نویسد: «اوغوزها» به طور کلی با نام «ترکمن» شناخته شده اند^(۶). هم چنین ا. پریتاسک می نویسد که: «قسمتی از ترکان در منابع تاریخی تحت نام ترکمن یا اوغوز دیده شده اند و روشن می سازد که دولت بیغوی اوغوز» تحت دو نام «اوغوز»، «ترکمن» یک اتحاد سیاسی تشکیل داده اند^(۷). اما در این نظریه ها که به نظر میرسد از جهت نتایج درست هستند، قدمت نام ترکمن و منشأ و ماهیت آن روشن نشده است. کوپرولو در زمان خود با استناد به دیوان لغت ترک می گوید که نام ترکمن به گروه هایی از اوغوزها که مسلمان شده اند، اطلاق می شود^(۸). در حقیقت او این دیدگاه را با استناد به اثر شرف الزمان مروزی یعنی با سطرهای کتاب «طبیعه الحیوان» عیناً تأیید می کند^(۹). قبل از مروزی، اولین مؤلف اسلامی که از ترکمن ها بحث می کند یعنی المقدسی نیمه دوم قرن

روند و فرایند تحولات تاریخی ساختار فرهنگی _ اجتماعی اقوام ایرانی.....۱۴۳

دهم ترکمن‌ها را گروه‌هایی معرفی کرده بود که اسلام را پذیرفته اند^(۱۰) محمود کاشغری نیز «ترکمن» و «اوغوز» را در جاهای زیادی با هم ذکر می‌کند:

Türkmaniyetü'l - Guzziye, beynel't - Türkmaniyetil'el - Guzziye bile't - Türkmaniyegi'l - Guzziye, butunü'l Guzziyeti'l - türkmaniye ...^(۱۱)

اگر نظریه وامبری^(۱۰) که تاریخ نام ترکمن را تا دوره افسانه‌ای اوغوزخان می‌رساند در نظر گرفته نشود، ذهنیت غالب سال‌های اخیر این است که نام ترکمن در قرن یازدهم ظاهر شده و این که این اسم به اوغوزهای مسلمان اطلاق شده است. با وجود دلایلی که نام ترکمن موجودیت خود را در ادوار بسیار دور نشان داده است، گسترش اسلام در بین اوغوزها نیز در شرح نام ترکمن کافی به نظر نمی‌رسند. مروزی از یک جنبش ترکمن - اوغوز - پچنک بحث می‌کند. به عقیده وی اوغوزها تحت فشار ترکمن‌ها خوارزم را ترک کرده و به سرزمین پچنک‌ها کوچ کرده‌اند^(۱۲). مینورسکی می‌نویسد که احتمالاً این حادثه در سال ۸۹۳ هجری روی داده است و نیز در حدود العالم استخری (تألیف سال ۸۹۳) نیز به نشانه‌هایی از آن بر می‌خوریم. مینورسکی این احتمال را می‌دهد که این حادثه با هجوم مشترک خزر- اوز علیه پچنک‌ها مرتبط است و این حادثه احتمالاً از سوی مروزی با اصطلاح «ترکمن» که مدت‌ها بعد به کار رفته مدرنیزه شده است^(۱۴). قارلوق‌ها که در اواسط قرن هشتم بر حوزه «چو» حاکمیت تام داشتند، مدت‌ها بعد یعنی احتمالاً در اواخر همان قرن و یا اوایل قرن نهم، اوغوزها را از منطقه تالاس و چو بیرون کردند و اوغوزها نیز به سهم خود پچنک‌ها را به سمت مغرب رانده‌اند^(۱۵). در اطلاعات کتاب المقدسی نیز که اخباری منسوب به این دوره می‌باشد آمده است که، ترکمن‌ها و اوغوزها در مناطق مختلف ساکن هستند^(۱۶). نزدیکی جغرافیایی به این احتمال قوت می‌بخشد که ممکن است اینجا مراد از «ترکمن‌های» مورد بحث نیز «قارلوق‌ها» باشند. نوشته‌های محمود کاشغری نیز از این نظر که تفاوت لهجه‌های مختلف زمان خود را آشکار می‌سازد، اهمیت دارد. در بحث تلفظ حرف‌های گوناگون و طرز استعمال بعضی از کلمات، تفاوت‌های میان ترک‌ها و اوغوزها را مشخص کرده است^(۱۷). مراد محمود از این ترکان، معنی محدود آن یعنی مردم هم وطن خود، سرزمین قاراخانیان و ترکی متمایز از اوغوزی است، و زبان ترکی که در آن نزدیکی با آن صحبت می‌شده است^(۱۸) نیز ارتباطی تنگاتنگ با قارلوق‌ها دارد. از طرف دیگر این فرض که اوغوزها با قبول اسلام نام

ترکمن را گرفته‌اند، با وجود صراحت آن در بعضی از منابع، چندان قانع کننده به نظر نمی‌رسد. زیرا لزوماً تغییر دین تغییر هم زمان نام قومی را ایجاب نمی‌کند. اگر چنین اصلی وجود داشته باشد، در این صورت مانند ترکان مسلمان قبل از ترکمن‌ها^(۱۹)، اوغوزهایی که بعدها به اسلام گرویده‌اند نیز می‌بایست نام جدیدی بگیرند و یا همانند خویشاوندان مسلمان خود «ترکمن» نامیده شوند. بر اساس آخرین تحقیقات، قارلوق‌ها در دوران قدرت خود (نیمه اول قرن یازدهم) یعنی زمانی که بر مناطق «چو»، «تالاس» و «یدی‌سو» حاکم بودند، نام ترکمن را به عنوان یک اسم سیاسی برای خود برگزیده بودند^(۲۰). علاوه بر این قارلوق‌ها در اواسط قرن نهم با آمدن به بالاساغون با گرفتن عنوان غاراخان در آنجا توسط ییغوی قارلوق، دولت ترک معروف به «ایلیک خانلار» و یا «خاقانیه» را تشکیل داده^(۲۱) و با لهجه‌ای متفاوت از لهجه اوغوزها صحبت می‌کرده‌اند^(۲۲). به طور کلی می‌توان گفت که لاقل در طول قرن نهم کلمه ترکمن یک اصطلاح سیاسی بوده و از طرف قارلوق‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. به احتمال زیاد می‌توان پذیرفت که در آن تاریخ اوغوزها، نام ترکمن را حمل نمی‌کرده‌اند.

وجه تسمیه واژه ترکمن

بسیاری از محققین مانند وامبری و قفس اوغلی تلاش کرده‌اند با مثال‌های متعدد ثابت کنند که عنصر «من» در واژه ترکمن ماهیت پسوندی دارد و به زعم آنها بر مفاهیمی چون «شکوه و عظمت» یا «اسم جمع» دلالت دارد. یکی از شرق شناسان مشهور به نام هیرث با استفاده از متون تاریخی چین و با استناد به دایرة المعارف چینی «تونگ - تین» تلاش می‌کند تا تسمیه ترکمن را با واژه «توکو - مونگ» چینی ارتباط دهد و با توسل به دلایل جغرافیایی و تاریخی ثابت کند که ترکمن‌ها از نسل اقوام ایرانی «آلان»‌ها هستند. توصیفی که ن. آ. آریستوف در ارتباط با ویژگی قومی ترکمن‌ها ارائه می‌دهد مؤید این نکته است: «اقوامی کوچ نشین، ایرانی الاصل، با کله‌های دراز و باریک» (آریستوف، ۱۹۹۸). در واقع این گروه از دانشمندان معتقدند که عنصر ترکی بعدها پیدا شده، و آغاز آن به زمانی برمی‌گردد که «هون»‌ها به ناحیه ولگا هجوم آوردند و آلان‌ها مجبور به مهاجرت به سرزمین‌های شرقی و مغولستان شدند.

در این که چرا اغوزها ترکمن نامیده می شدند ، دلیل قانع کننده ای وجود ندارد . در کتب قدیمی نیز تنها به این مطلب اشاره شده است که ترکمن ها در جواب « تو کی هستی؟ » پاسخ می دادند: « ترک من » یعنی من ترک ام و نیز گفته شده است که لفظ ترکمن برای تمایز آنها از ترک ها به آنها داده شده است که نخست « ترک مانند » بوده و در اثر گذشت زمان و به مرور به « ترکمن » تغییر شکل یافته است . در «برهان قاطع» نیز آمده است که اغوزها (ترکمن ها) ، نخست در مغولستان زندگی می کردند . در کتیبه اورخان که متعلق به قرن هشتم هجری است ، از آنها سخن به میان آمده است ، اما مورخان آنان را ترک و نه ترکمن به حساب آورده اند . در دایره المعارف چینی قرن هشتم آمده است که ترکمن ها در غرب زندگی کرده و در آنجا « تو-کو-مونگک »^(۳۳) خوانده می شدند . از طرفی می توان گفت که «تو-کو-مونگک» نام دیگر کشور «آلان» است که مردم « اغوز »، حدود قرن دهم در آنجا زندگی می کردند.

زبان ترکمنی

ترکمنی از خانواده زبانهای آلتایی و از گروه زبانهای ترکی جنوب غربی (اغوز) و زیر گروه زبانهای اغوز شرقی است. ترکمنی با زبانهای تاتاری کریمه و سالار و ترکی استانبولی، آذربایجانی و ازبکی مرتبط است . ترکمن ها و گویندگان بیشتر این زبانها به راحتی زبان یکدیگر را می فهمند . زبان ترکمنی را می توان حد واسطه زیرمجموعه های غربی (ترکی استانبولی و ترکی آذربایجان) با زیرمجموعه های شرقی (ترکی قزاقی، اوزبیک، قرقیزی و اوغوری) زبان ترکی دانست . ترکمنی مانند دیگر زبانهای آلتایی از گروه زبانهای ملصق است . افعال بی قاعده و کلمات مذکر و مؤنث ندارد و ساختار جمله به شکل فاعل + مفعول + فعل است .

خط

ترکمنی در گذشته با خط عربی-فارسی نوشته می شد، در سال ۱۹۲۹ خط لاتین جایگزین آن شد و در سال ۱۹۳۸ خط سریلیک جای آن را گرفت. هرچند در ۱۹۹۱ آن ها مجدداً به خط لاتین بازگشتند ، اما هنوز هم خط سریلیک کاربرد گسترده ای دارد.

طایفه ها و قبیله های ترکمن

درباره تقسیمات عشیرتی ترکمن ها ، وامبری در سفرنامه خود به سال ۱۲۸۱ ترکمن ها را به قبایل و تیره های متعددی تقسیم می کند : « علی ایلی (آل علی) ، چاودار ، قره ، ارساری (ارزلی) ، سالور ، ساریق ، تکه ، یموت و گوکلان » . هم چنین قبایل مقدس (موسوم به اولاد) خود را فرزندان خلفای راشدین می داند و به چهار گروه : « خوجه ، آتا ، شیخ و مختوم » تقسیم می شوند .

ویژگی های نژادی

از نظر ظاهری چهره ترکمن ها قدری شبیه مغول هاست . مردمی نسبتاً بلند قد با مویی سیاه که چهره و قیافه سنگینی دارند . عده ای از آنها زندگی بادیه نشینی دارند . سر آنها اغلب برای بدن شان که قوی و عضلانی است کوچک به نظر می آید . صورت آنها دارای دو سوراخ کوچک است که شکل آنها چشمان مردم سرزمین چین را به خاطر می آورد . «بکستون» ترکمن ها گروهی از ترکان ایرانی هستند که در ایران و خیره و بخارا و قفقاز زندگی می کنند . تیره و طایفه های جوار ، عیوت ، گوکلان ، اخال ، مروتکه سارق ، سالور و ارساری همه مسلمان اند . در ترکمن صحرا ، به ترکمن خالص « ایگ » و به نژاد مخلوط « قول » می گویند .

نظام اجتماعی و اقتصادی

ترکمن ها پدر تبار هستند . آنها قبل از قرن بیستم دارای خانواده های بسیار بزرگ ، با یک رئیس خانواده (پدر) مقتدر و مستبد بودند . در میان ترکمن ها فعالیت های زن و مرد به طور جداگانه مشخص شده است . مردان کارهای کشاورزی و دامداری را انجام می دهند ، در حالی که زنان علاوه بر بزرگ کردن بچه ، نگهداری کودک ، آشپزی و شست و شو ، به کارهایی چون بر پا کردن و برچیدن «ای» (آلاچیق) ، تهیه آرد ، چیدن و خشک کردن میوه ، دوشیدن شیر گاو و گوسفند ، قالی بافی ، نمدمالی تهیه لبنیات و تمیز کردن پشم ، می پردازند . مهم ترین مسئله در اقتصاد ترکمن داشتن نیروی کار فراوان است . هر خانواده ای که از نیروی کار (اعضای خانواده) بیشتری برخوردار باشد ، منبع درآمد بیشتری نیز خواهد داشت . در جامعه ترکمن نیروی کار مهم تر از داشتن گله های فراوان است . گذشته از نیروی کار و گله ، دادن و گرفتن شیربها نیز در اقتصاد ترکمن حائز اهمیت است . بنا بر رسم و سنت

های گذشته ترکمن ، گاهی یک خانواده تمام دارایی اش را به خاطر پرداخت شیربهای کلان از دست می دهد اما این بحران ، موقتی است ، زیرا خانواده می تواند در آینده ای نزدیک و با داشتن نیروی کار زیاد مشکل را به آسانی حل کند . خانواده ای که دارای فرزند پسر بیشتر است دارای آینده ی خوبی خواهد بود ، هر چند که باید برای هر پسر شیربهای کلانی پردازد ولی چون دارای نیروی کار کافی است در مدت زمانی کوتاه مشکل اش را حل خواهد کرد . بر اساس همین باور خانواده ای که دختران فراوان دارد ممکن است در آینده نیز با مشکلات بیشتری دست و پنجه نرم کند . .. راه هایی نیز برای پرداخت نکردن شیربها وجود دارد . بعضی از خانواده های ترکمن دخترهایشان را با هم معاوضه می کنند . یعنی در مقابل دادن یک دختر به خانواده ی دیگر ، از آنها یک دختر می گیرند و بنابراین مشکل دادن شیربها از بین می رود . البته این مسئله به ندرت و فقط بین خویشاوندان نزدیک اتفاق می افتد .

در حال حاضر بیشتر ترکمن های ایران یک جانشین (ساکن) شده اند ، ولی چارپایان نقش ویژه خود را هم چنان به عنوان مهم ترین منبع فعالیت های اقتصادی آنها بازی می کنند . گذشته از چارپایان ؛ قالی بافی^(۲۴) ، نمد مالی^(۲۵) ، گلیم بافی ، ابریشم بافی^(۲۶) ، کشاورزی^(۲۷) و ماهیگیری از دیگر منابع اقتصادی آنهاست.

ازدواج

ازدواج به خصوص از جنبه ی اقتصادی در میان ترکمن ها اهمیت فراوانی دارد. ترکمن ها دارای اجداد مشترک در تمام رده ها هستند . همان طور که ذکر شد ، سنت ازدواج در بین ترکمن ها از این جهت حائز اهمیت است که باعث می شود یکی از افراد فعال اقتصادی یعنی زن از خانواده دهنده زن ، یعنی خانواده عروس کم شود و در مقابل یک عضو فعال به خانواده گیرنده زن ، یعنی خانواده داماد اضافه شود . بنابراین ، خانواده ای که زن را می گیرد باید به دیگری شیربها پردازد . در گویش ترکمنی اصطلاح «آلماق» برای خانواده ای که زن را می گیرد به معنای گرفتن و دیگری «ساتماق» برای خانواده یی که زن را می دهد و به معنای فروختن است .

مذهب و روحانیت

ترکمن ها اهل تسنن «حنفی» و پیر و ابوحنیفه نعمان بن ثابت هستند. در نیمه دوم قرن نوزدهم علمای بخارا از لحاظ اعتبار و سلسله مراتب اجتماعی به این ترتیب بوده اند:

۱- مدرسین مدارس علمیه بزرگ شاغل یا بازنشسته که به عنوان ناظر مدرسه و یا مقام بالا و مقدس حوزه شناخته می شوند. این گونه اساتید را با عنوان «تقصیر»، به معنی اظهار فروتنی و تواضع در برابر استاد یاد می کنند. ۲- روحانیت شاغل در دستگاه های دولتی که چهره مشخص آن «نقیب» یا در واقع رئیس رسمی مذهبی در خیوه است. ۳- روحانیون شاغل در مدارس محلی، که وظیفه ی تدریس و اداره مدارس روستاها و اُبه ها را بر عهده دارند و به هسته مرکزی مدارس بخارا و خیوه که اکثراً خود نیز از آنجا فارغ التحصیل شده اند وابسته بوده و از فرمان برداران صادق اساتید مرکز محسوب می گردند، این گروه گاه به زیارت علمایی که زمانی با آنها «شریک» (هم درس وهم دوره) بوده و یا نسبت به یکدیگر سمت «دام الله» (نایب و خلیفه استاد) یا مقام تقصیر (استاد بزرگ) را داشته و سالیانی در محضروی تلمذ کرده اند، می شتابند. ۴- روحانیت درگیر در امور شخصی و زندگی خانوادگی، که معمولاً از سطح علمی متوسطی برخوردارند.

اعیاد (باپرام) و جشن ها

مهم ترین اعیاد و جشن های ترکمن ها شامل: عید فطر^(۲۸)، عید قربان^(۲۹) و جشن آق قویون است.

موسیقی ترکمن

در داستان ها و آثار منظوم بلندی که خنیاگران - اوزانها، آکین ها، بخشی ها، عاشیق ها و ... به همراهی قوپوز و یاساز آن را روایت می کنند، خواننده می کوشد تا با یک رشته از حرکات، ژست ها و تقلیدها روایت خود را جان دارتر و مؤثرتر سازد. در زبان پهلوی به این افراد که ترانه ملی و مردمی خوانده و حماسه سرایی می کردند «گوسان» یا «کوسان» می گفتند.

بخشی های ترکمن برای نواختن به هنگام خواندن از دو تار استفاده می کنند که اصطلاحاً به آن «تامدره» (تنبوره) نیز می گویند. «قووز» (زنبورک)^(۳۰) و «کمانچه» (قجق)^(۳۱) از دیگر سازهای

ترکمن است

ذکر خنجر

در بین رقص ها و آوازهای ترکمن مشهورترین و ریشه دارترین آنها، رقص ذکر خنجر است. ذکر خنجر، یک نوع نمایش هنری رایج در بین ترکمن هاست و مانند بسیاری از بازی های محلی و بومی، ریشه در گذشته دور دارد. این رقص که به طور دسته جمعی و با لباس سنتی و خنجر بر کمر صورت می گیرد، حالتی ذکر گونه دارد و برداشتی عارفانه از حالت و جذبه صوفیان است. به صورت دسته جمعی توسط مردان صورت می گیرد و نیز مروج آن فرقه‌ی «نقشبندیه»^(۳۲) و یکی از یاران و شاگردان «بهاءالدین معین» معروف به «مشرّب دالی» (مشرّب دیوانه) بوده است. پیشینه آن به حدود سه سده قبل از ظهور اسلام برمی گردد. در آن زمان مراسم رقص خنجر صرفاً به عنوان یک آیین نمایشی با مضمونی حماسی اجرا می شد. قبایل ترکمن به دلیل شرایط زندگی عشایری و ایلاتی که داشتند همیشه با حیوانات وحشی در مبارزه بودند. لذا قبل از شکار و شروع نبرد با حیوانات وحشی و درنده این مراسم را اجرا می کردند تا روحیه گرفته و در مبارزه پیروز شوند. مضمون اشعار در آن دوران حماسی و در وصف شجاعت ها و قهرمانی های جنگجویان آن قبیله بوده است. ولی پس از ظهور اسلام این اشعار رنگ و بوی مذهبی و دینی به خود گرفت و مضمون آن به ذکر و ستایش خداوند و اولیای خدا تبدیل شد. از آن جا که آیین نمایشی رقص خنجر گاهی اوقات با هدف شفابخشی^(۳۳) به بیماران روحی و روانی انجام می شد. پرخوان در ذکر خود فرد بیمار را دعا می نمود و از خداوند سلامت او را طلب می کرد. در دوران باستان بیماری های روانی را با نی و ساز درمان می کردند و بر بالین بیمار چنگ و تار می نواختند. برخی از محققان معاصر رقص خنجر ترکمن ها را همانند «آیین گوات»^(۳۴) در بلوچستان و «آیین زار»^(۳۵) در خلیج فارس دانسته و نیز این نوع آیین و مراسم را علاج بیماری های روحی و روانی می دانند. و به ویژه آیین «پرخوانی» (خواندن زیاد اوراد و حرکات نمایشی دست پا) را به «شَمَن» مرتبط می سازند. در مراسم رقص خنجر یا ذکر خنجر یک گروه ۶ نفره از مردان ترکمن به دور آتش داخل یا خارج از «آلاچیق»^(۳۶) حلقه زده و می چرخند. آنها در حالیکه آوای خاصی را تکرار می کنند، برگرد آتش می گردند. این چرخش همراه با اجرای رقص پا انجام می گیرد. ترکمن ها رقص نمایشی ذکر خنجر را در مراسم مختلف نظیر جشن و اعیاد و یا جشن های بزرگ قبیله ای اجرا می کنند. غزل

هایی هم که در اجرای این هنر نمایشی اجرا می شود، جنبه عرفانی داشته و از اشعار شاعران و عارفان به نام گذشته استفاده می شود. این آئین مذهبی در زمان های قدیم در جشن و عروسی ها ، ختنه سوران، تولد فرزند - ضیافت گرامی داشت هم سن شدن افراد با طول سال های زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم، را برگزار می کنند. شایان ذکر است که ترکمن ها هنوز هم وقتی به سن ۶۳ سالگی (یعنی سال عمر پیامبر اسلام) می رسند آن را جشن می گیرند. در اصطلاح ترکمنی به این آئین مذهبی «آق قویین» یا «آق آش» می گویند. هم چنین آئین هنری « ذکر الله » در مراسم ضیافت حج رفتن افراد ، ختم قرآن کریم و هنگام پرافراشته شدن آلاچیق جدید برای فرزندان متاهل خانواده و... انجام می شده است . گروه رقصنده در هر چرخشی این آوا را تکرار می کنند : «...آهی آهی آهی آهی» . تمامی بازیگران در این آیین نمایشی، لباس خاصی چون قبای بلند سرخ، کلاه پشمی سفید و پوتین چرمی به تن دارند . در دوران باستان و پیش از ظهور اسلام، گروه اجرا کننده ی مراسم و یا افرادی که قصد نبرد یا شکار داشتند، چهره ی خود را با خون حیوان رنگی می کردند و خطوطی سرخ رنگ بر آن می کشیدند.

برخی اعتقادات و باورهای خرافی در بین ترکمن ها

امروزه خرافات در بین اقشار مختلف مردم اعم از ترکمن، روس، ارمنی و ایرانی ها از سال های قبل دیده می شود، ترکمن ها معتقدند بسیاری از خرافات موجود در بین آنها متعلق به روس هاست و خود در پیشینه تاریخی شان نشانی از این خرافات ندارند.

از این عقاید خرافی می توان به این موارد اشاره کرد : ۱- عبور گربه سیاه از مسیر شخصی شگون ندارد . ۲- بعد از رفتن کسی به مسافرت، آستانه منزل نباید بلافاصله جارو شود زیرا دلیل برگشت فوری شخص مسافر می شود و این در موردی است که جهت کار و امرار معاش به مسافرت می رود و اقامت طولانی وی به نفع خانواده اوست . ۳- ریخته شدن نمک روی سفره غذا و نیز تمیز نمودن با کاغذ موجب اختلاف و نزاع خانوادگی می شود . ۴- جارو کردن در شب شگون ندارد . ۵- برعکس پوشیدن لباس موجب کتک خوردن صاحب لباس می شود و ...

آتش در باور ترکمن ها

آتش، در آداب و سنن گذشته ترکمن ها از مقام ویژه ای برخوردار بوده است. جنبه عمده این احترام به خاصیت نگهدارنده و سحرانگیز آتش مرتبط است، که این نیز به نوبه خود از درک آتش به عنوان یکی از نیروهای قهار طبیعت که دارای نیروی سحرآمیز مقتدری می باشد، نشأت گرفته است. جنبه عمومی احترام به نیروی طبیعی آتش پیش از همه در ممنوعیت اعمالی بروز کرد که در آن ها برخورد با آتش توهین آمیز تلقی می شد. برای مثال انداختن آب دهان به آتش حرام بود و این در مورد خرمن آتش افروخته، اجاق خانگی و تنور نیز صدق کرد. کسی که مرتکب چنین عملی شود، بنا بر اعتقادات قومی، بدبختی به او روی خواهد آورد. در فولکلور ترکمن اصطلاحی که برای نسل های قدیمی تر کاملاً آشناست یعنی «اوت اوزز» (آتش نورانی) و در ضرب المثل عامیانه «اوت آستیندا بلا قالماز» (زیر آتش بلا نمی ماند) به روشنی این تصورات را نشان می دهد. در میان طایفه های گوناگون آداب و رسوم مختلفی نسبت به آتش وجود داشته است. مثلاً در نزد گوکلان های قارری قالا این نظر وجود داشته است که اگر شراره ای از آتش بطور اتفاقی بروی لباس کسی می افتاد و آن را می سوزاند، معتقد بودند که جای پریشانی نیست. و یا در بین ترکمن های یمرلی چنین اعتقادی وجود داشته است که اگر کسی ظرف را با آب در آتش بیندازد، لازم است که در آنجا کمی آرد ریخته شود^(۳۷). در نزد ترکمن های یموت غربی جایی که دامپروری وجود داشت، آتش نقش بزرگی را ایفا می کرد. بدین گونه که «أبه»^(۳۸) به هنگام کوچ ییلاق یا قشلاق به منظور تمییز کردن، خرمن بزرگی از آتش برمی افروختند و مردم با جل و پلاس خود در حالی که حیوانات را می راندند، از آتش می گذشتند. پس از پایان مراسم معمولاً خرمن های آتش را به یکدیگر متصل کرده تا مفری برای ارواح شریر و پلید باقی نماند و نتوانند آنان را تا محل جدید دنبال کنند. مثال دیگر حاکی از آن است که هر چهارشنبه، آتشی را برپا کرده و در آن برای خلاصی از شر اجنه و ارواح شاخ و نمک و چیزهای دیگر در آن می انداختند. بر اساس روایات مراسم پرش از روی آتش به معنای پاکیزگی از همه آلودگی هائی که در طول سال در انسان جمع شده است^(۳۹).

برخی اعتقادات دینی ترکمن ها قبل از اسلام

ترکمن ها تا ظهور اسلام ، متأثر از تفکرات اجتماعی و دینی ماوراء النهر نظیر بودایی، مانویت و در بعضی مناطق پیرو تفکرات شمنی مانند طبیعت پرستی و اعتقاد به آسمان بودند ، و مظاهر طبیعت و آسمان و زمین و آب را مورد ستایش قرار می دادند. تقدس تنگری (خدای آسمان) از اعتقادات خیلی قدیمی آنها حکایت می کند. آسمان یکی از عناصر مقدس محسوب می شد که علت آن را در ریزش باران و به دنبال آن سرسبزی و آبادانی می دانستند و برای آن مراسم سویت قازان را اجرا می کردند . ابن فضلان می نویسد :

«در جرجانیه^(۴۰)، هر کسی بخواهد هدیه ای به دوستش تقدیم کند می گوید: نزد ما بیا با هم صحبت کنیم من آتش خوبی در خانه دارم

وامبری در ضمن سیر و سیاحت در نزد ترکمن ها به سال ۱۸۶۲ میلادی از مراسم خاک سپاری آن ها سخن رانده ، می نویسد: «وقتی یکی از رؤسای برجسته یعنی کسی که به دریافت لقب «باتر» (دلاور) نائل شده باشد، از دنیا برود ، رسم است که یک «یسکا» (تپه کوچک) روی قبرش برپا می کنند. هر ترکمن باید با ریختن دست کم هفت پارو خاک در آن شرکت کند .

در قبرستان های منطقه گلیداغ و به ویژه بر سر قبر نخورلی های ساکن جرجلان خراسان، چوب هایی که به شکل پر و بال پرندگان تراشیده نصب می کردند و در قبرستان خاللدنبی بر سر مردگان ستون هایی از سنگ تراشیده که تا ۲/۵ و حتی بیشتر ارتفاع داشته و دارای بندهایی گاه با یک ، دو تا سه حلقه است . گویا این حلقه ها نشانه تمول و قدرت متوفی بوده که بعدها به صورت قوچ درآمده است. فاروق سومر از مراسم «یوق آشی» و «اولو آشی» صحبت به میان می آورد که در هنگام وفات مرده برگزار می شود و غذایی صرف می شود . هنگام مرگ پهلوان او را همراه با اسب اش دفن می کردند و دم بقیه اسب هایش را نیز می بردند و ایل بسیار می گریستند ، و هم زمان صورت خود را با ناخن خراشیده به حالتی که همراه با اشک، خون نیز جاری می شد .

فاروق سومر از عقیده دیگر ترکمن ها سخن می گوید: «طبق یکی دیگر از باورهای غزها، آنان آب را مقدس و پاک می دانند به همین جهت فرو رفتن در آب را گناه بزرگ می شمارند و معتقدند موقع رفتن به آب نباید لباس را از تن بیرون آورد .

ابن فضلان در ادامه سفر خود نزد ترک های باشگرد (باشگرد) رفته و از یکی از خصوصیات آنان یعنی پرستش قطعه چوب سخن می راند. وی می نویسد: «هر یک از ایشان تکه چوبی تراشیده و به گردن خویش می آویزد و چون قصد سفر یا برخورد با دشمن کند آن را می بوسد و بر آن سجده می گذارد و می گوید «خدایا با من چنین و چنان بکن»، در میان ایشان کسانی هستند که به وجود ۱۲ خدا معتقدند»^(۴۱). یکی از سیاحان چینی به نام هسوان تسانگ در سال ۱۶۲۹ میلادی مطابق با هشتم هجری جهت تبلیغ بودیسم از راه ترکستان به هندوستان رفته، درباره ناحیه ایسی گول می نویسد: «برخی از ترک ها زردشتی بودند، آنها آتش را مقدس می دانند و از نشستن بر روی چوب اجتناب می کنند زیرا معتقدند که چوب حاوی آتش است».

مرثیه خوانی

مرثیه خوانی مخصوص مجالس عزاداری است و در اصطلاح محلی به آن « تاوش» نیز می گویند. گرچه اشعار مربوط به مرثیه خوانی با حزن و اندوه همراه است، اما این نوع شعر ضمن داشتن ظرافت و جوهر شعری، از محتوای غنی برخوردار است . در این نوع اشعار که توسط زنان عزادار و سوگوار، به طور انفرادی و یا دسته جمعی خوانده می شود اغلب اشعار دوبیتی است و پایان هر دو بیتی نیز به « ای وای » ختم شده و در انتها نیز به گریه و شیون دسته جمعی منتهی می گردد . با نگاهی به محتوای اشعار مرثیه خوانان به خوبی می توان دریافت که زن عزادار چه نسبتی با متوفی دارد و او چگونه و در چه سنی وفات یافته است . آرمینوس سیاح اروپایی که در قرن نوزدهم به آسیای میانه سفر کرده است در کتاب خود راجع به مرثیه خوانی زنان ترکمن این گونه می نویسد : « زن ها که در محوطه تنگ چادرها چهار زانو نشسته و خود را موظف می دانند بطور دسته جمعی فریادهای دل خراش سر دهند و اشک بریزند ، و در عین حال از شانه کردن پشم و چرخاندن دوک نخ ریزی یا انجام دادن کارهای دیگر خانه دست بردار نیستند » . این مساله به خوبی نقش، زنان ترکمن را در تولید و اقتصاد خانواده نشان می

دهد. به هر حال در مرثیه خوانی، زنان ترکمن احساسات درونی و قلبی خود را در قالب اشعاری ظریف و زیبا بیان می کنند و در تمام این اشعار نیز از اخلاق نیکو، مردم داری، سخاوت و مردانگی، و به طور کلی از خوبی های متوفی سخن به میان می آید و در انتها نیز آرزو می کنند که او با ایمان از دنیا رفته باشد و در آن دنیا بهشت نصیبش گردد.

نتیجه گیری

مطابق پژوهش های تاریخی آسیای مرکزی سرزمین ترکمن ها در نوار جغرافیائی تمدن قرار گرفته و خود نیز یکی از این قطب ها بوده است. بر اساس اطلاعات و داده های باستان شناسی این منطقه، در دوره موسترتین (۴۲)، اندیشه های انسانی از نیازهای زمان فراتر رفت. برای اولین بار آئین نیایش حیوانات و توتمیسم، به عنوان نخستین ادیان، در این منطقه شکل گرفتند. از جمع آوری آذوقه در عصر حجر تا تولید آن در دوره نوسنگی، ساکنان اولیه آسیای مرکزی، گام های بلندی به سوی تمدن برداشتند. دور از انتظار نیست که مردم این منطقه با آن سابقه بزرگ تمدن، از اولین سازمان دهندگان قدرت در جهان بوده باشند. با سقوط آخرین دولت ترکمن ها، یعنی سلسله آق قویونلو در حدود نیمه قرن شانزدهم که بر ایران، ماوراءالنهر، قفقاز، آسیای میانه و بخش هایی از خاور میانه حکم رانی داشتند و با جانشینی دولت صفویه، راه نضح و تکامل تاریخی جامعه ترکمن نیز مسدود و پس رفت های تاریخی، در روند تکاملی این جامعه رو به تکامل آغاز گردید. صفویان، برای اولین بار بعنوان یک دولت ایرانی، موفق می شوند به دنبال سقوط سلسله آق قویونلوها با عبور از سلسله جبال البرز به سرزمین ترکمن ها نفوذ کنند. ترکمن ها، در تاریخ پر ماجرا یشان، در میدان نبرد ملل کوچک آسیای مرکزی، از زمان مهاجرت اکثر مردم شان، اغوزها، به غرب، در قرون یازده و دوازده، توانسته بودند بقاء خود را حفظ کنند. آنها توانستند شخصیت ملی خود را هم، در سایه قانون نامکتوب اجدادی شان، توره، محافظت نمایند. شاید، این توره بود که ترکمن ها بقاء طولانی شان را به عنوان یک ملت کوچک مدیون آن هستند. آنها توانستند آرزوی مختمقلی، شاعر پر آوازه خود را بعد از گذشت شصت سال از مرگ او محقق سازند.

پی نوشتها

۱- داه ، دها ، داه ، داهه یا دهه نام گروهی از مردم ایرانی و شعبه ای از قبایل سکایی بوده و در شرق دریای خزر ساکن بودند .

۲- یک تیره ی سکایی نیمه صحراگرد در آسیای میانه بودند

- 3- Vambery, a.e
- 4- M. Th. Houtsma: WZKM II (1888), 228.
- 5- Gy. Nemeth, a.e., 70.
- 6- Hudud Al - Ālam, 311.
- 7- O. Pritsak, Der untergang des Reiches des ogusischen yabgu: F. köprülüArmaganı, 1953, 397
- 8- İlk mutasavvıflar, 1919, 152, daha bk: A.müll.: belleten, 27.Sayl, 261,I.n.
- 9- oguzlar Türklerin büyü boylarındır, Ve 12 kabiledir; bir kısmi sehirlerde,bir kısmi Sahra(atda oturulardi... Islam ülkelerine komsu olduklari zamanbazilari Müslüman olduki, bunlara Türkmen derler".
- Tabäyül- hayavän, Minorsky nesri, 1942, metin, 18, ingilizce trc.,29.
- 10- Q.G.A. III. 274, bk, Minorsky, Tabäyül- hayavän 94; O.PRITSÄK,untergang..404.
- 11- A.T.BATTAL: TMXI(1954), 77-78.
- 12- Mervezi, metin,18.
- 13- Minorsky, Tabäyü,I- hayavän, 95.
- 14- AKDES N,KURAT, peenek tarihi, 1937,303-3.
- 15- Battal, göst, yer.
- 16- Divanül, T.,I,31.
- 17-A.T. Taymas: Tmxi, 78.
- 18-R.N. Frye- A.Sayili, Selmuuklulardan evvela- arкта Türkler: Belleten, 37.Sayl, 1331-67.
- 19-Pritsak: Islam Ansiklopedisi, karahalilar mad.: A.müll., Die karachan iden:Der Islam XXXI (1953), 22. Kägariye göre" karluklar oguzlardan ayri, fakatonlar ribi türkmen dirler" Divanül,T.,I, 473.
- 20-Pritsak, vonden karluk zuden karachaniden: ZDMG 101 (1951), 2703-00;Islam ansiklopedisi,karahalilar mad.
- 21- Gin kaynagi Tang-u,dada bu husus kayithidir. E.Chavannes,Documents... 1903, 21 bk.
- 22-Barthold; EI, Turkmens mad.: Frye- Sayili, go ğsi,yer.
- 23-TO-KU-MONG
- ۲۴- قالی بافی وابسته به زندگی دامی و کوچ است . تمام کوچندگان به بافتن قالی و درست کردن نمد از پشم حیواناتشان می پردازند . انواع فرش ترکمن را می توان بر طبق قبایل آنها به سه گروه: تکه ، يموت و گوکلان تقسیم بندی کرد .
- ۲۵-زنان ترکمن نمد نیز درست می کنند که برای پوشاندن اسب و رویه ی زین آن ، پوشاندن کف اتاق و رویه ای (آلاچیق) به کار می رود . معمولاً زنان همسایه در این کار به یکدیگر کمک می کنند .
- ۲۶- گوکلانها که قبل از سایر گروههای ترکمن یکجانشین شده اند ، به پرورش کرم ابریشم می پردازند و پارچه های ابریشمی آنها معمولاً دارای رنگهای روشن و طرحهای زیباست.
- ۲۷- ترکمنهای ایرانی از گذشته دور ، به دلیل برخورداری از محیط جغرافیایی و محل زندگی مناسب ترکمن صحرا ، به کشاورزی پرداخته اند . گوکلانها آغازگر کشاورزی در میان ترکمنها هستند . در بین يموتها دو گروه اقتصادی یعنی «چاروا» و «چمور» وجود دارد . چمورها یک جانشین

۱۵۶.....پژوهش نامه علوم اجتماعی ، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸

شده و زندگی آنها وابسته به کشاورزی است. به نظر می رسد که در بین يموتها هنگامی که شخص دام خود را به هر علتی از دست می داد، به کشاورزی روی می آورد و یک جانشین می شد.

۲۸- اراز آید

۲۹- قربان آید، عید اضحی

۳۰- زنبورک سازی است که صدای آن شبیه صدای زنبور است و آن چوبی است که بر دو سر آن کدو نصب می کردند و دو تار بر آن بسته و می نواختند، این ساز بیشتر در هند متداول بوده است.

۳۱- این ساز ابتدا سیم هایی از ابریشم داشته ولی امروزه با سیم های ماندولین ساخته می شود. تعداد سیم های کمانچه چهار عدد است کمانچه کاسه اش از چوب و صفحه آن از پوست که وسط آن ضخیم تر از بقیه قسمت ها است و خرک آن از چوب عتاب و دسته آن مخروطی شکل است
۳۲- قدمگاه بهاءالدین نقشبندی در ۱۰ کیلومتری شهر بندر ترکمن در فاصله ۵۰۰ متری جاده آسفالتی بندر ترکمن به آق قلا و در جنوب غربی روستای خواجه لر واقع شده است. گویا مکانی بوده که خواجه بهاءالدین نقشبندی در سفر مکه خود، در آن به استراحت پرداخته است. طبق رسم، زنان ترکمن بیشتر از مردان ترکمن به زیارت این مکان می روند؛ به ویژه زنان نازا که برای مادر شدن شان، بز یا بزغاله ای را نذر می کنند.

۳۳- در مراسم رقص خنجرگاهی اوقات فرد بیمار را که بیشتر کودک مبتلا به سرخک و یا بیمار روحی و روانی بوده، در کنار آتش خوابانده و باغشی به «پرخوانی» می پرداخت و مراسم با هدف شفابخشی فرد بیمار اجرا می گردید.

۳۴- مراسم مشابه ذکر خنجر با هدف شفابخشی که در منطقه سیستان و بلوچستان اجرا می شود.

۳۵- در این مراسم یک خواننده و نوازنده ساعت ها بر بالین بیمار اقدام به ذکر خوانی و نوازندگی می کند. آنها معتقدند تا ظهور رگه های بهبودی در بیمار، خواننده باید به ذکر خوانی و نوازندگی خود ادامه دهد.

۳۶- آلاچیق ترکمن «اوی» نامیده می شود و اوی به معنی مسکن و محل زیست است. آلاچیق یک اسکلت متحرک و قابل حمل و نقل است که با «نمد» و «قامیش» که یک نوع حصیر بافته شده از بریده های نی می باشد، پوشانده می شود. عشایر ترکمن اغلب برای مهمانان و یا فرزندان خود که زندگی تازه ای را با خانواده خود آغاز می کنند، از این نوع آلاچیق ها استفاده می کنند و نشانه عزت و احترام به آنان است. مرحوم «استاد قزاق پتق»، باغشی پر آوازه ترکمن بود که هم اکنون چند تن از شاگردان او را ادامه می دهند.

۳۷- سمبل خون بها دادن

۳۸- به روستاهای ترکمن گفته می شود.

۳۹- در قرن نوزدهم در مراسم پرش از روی آتش همه اهالی آبه به جز سالمندان و شخصیت های روحانی قبیله شرکت می کردند. در این مراسم ابتدا مردان، سپس زنان و بالاخره نوجوانان از روی آتش می پریدند. در حالی که در اطراف خرمن آتش می چرخیدند، رو به آتش چنین می خواندند «شامان اوت، بولدیم شات، پارلاپ اوستینگدن گجدیم، زارلاپ گؤنامی دؤکدیم، حایر قیلسن ایشیمی، غوراپ ساقلا داشیمی». اجرای این مراسم در ماه های «مه رد» و «صافار» و آخرین چهارشنبه سال کهنه بوده است. تکه ها آن را شامان اوت، يموت های تاختینی، ساریق ها، ساری لی و قارا داشلی آن را شامار اوت، گوکلان ها و یمرلی ها آن را شامباز اوت می نامیدند.

۴۰- اورگنج را جرجانیه هم گفته اند.

۴۱- «خدای زمستان، خدای تابستان، خدای باران، خدای باد، خدای درخت، خدای مردم، خدای چهار پایان، خدای آب، خدای شب، خدای روز، خدای مرگ و خدای زمین» خدایی که در آسمان است بزرگترین آنها می باشد و در عین حال با سایر خدایان متفق است و هر یک از آنان از کار شریک خود رضایت دارد. این اعتقادات را می توان همانند خدایان متعدد یونانی دانست. همان طور که در یونان زئوس در راس خدایان مختلف قرار دارد، در اینجا نیز در راس خدایان متعددی که نام برده شده، خدای آسمان (تنگری) قرار دارد.

منابع

- بیگدلی ، محمد رضا (۱۳۶۹). **ترکمن های ایران**. تهران: انتشارات پاسارگاد ،
- تاریخ تمدن های آسیای مرکزی ، چاپ یونسکو**
- درویشی ، محمدرضا (۱۳۸۰). **دایرةالمعارف سازهای ایرانی**. تهران: مؤسسه ی فرهنگی هنری ماهور،
- دهخدا ، علی اکبر (۱۳۲۵). **لغت نامه** . زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی . تهران: دانشگاه تهران ، موسسه لغت نامه دهخدا ،
- رهبر، خطیب (۱۳۷۱). **تاریخ بیهقی** . تهران: انتشارات مهتاب،
- کمالی ، محمد شریف (۱۳۶۲). **ریشه یابی قومی ترکمن های یموت**. تهران: نشر اساطیر،
- کمالی ، محمد شریف؛ و عسگری خانقاه ، اصغر (۱۳۷۴). **ایرانیان ترکمن**. تهران: نشر اساطیر ،
- گلی ، امین ... (۱۳۶۶). **سیری در تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن ها** . تهران: نشر علم ،
- سارای ، محمت (۱۳۷۸). **ترکمن ها در عصر امپریالیسم**. ترجمه قدیر ویردی رجایی. تهران : [بی نا]،
- قاضی گنبد ، سوزلیک (۱۳۶۴). **گنبد کاووس** . [تهران]: نشر یاتی،
- مینورسکی ، م (۱۹۶۰). **تاریخ مختصر ترکمن**. تهران: انتشارات امیرکبیر،
- دردیف ، م ؛ و قادیرف ، م (۱۹۹۱). **ترکمن های جهان**.
- آکتیر ، شیرین (۱۳۸۷). **اقوام مسلمان اتحاد شوروی**. ترجمه محمد حسین آریا .
- صفایی ، یوسف (۱۳۶۷). **زبان شناسی همگانی** . پایان نامه کارشناسی ارشد ،
- سارای ، محمت ، **نگاهی گذرا به تاریخ ترکمن ها** ، ترجمه : رجایی قدیر وردی
- قفس اوغلو ، ابراهیم ، نام ترکمن ، مفهوم و ماهیت آن ، ترجمه : شرعی ، بی بی مریم
- ایری ، مایسا ، **سیری در تاریخ ترکمن**
- عابدینی ، سید مهدی ، عناصر نمایشی در مراسم ذکر خنجر ، فصلنامه یپراق
- حسن بیگی ، ابراهیم ، برخی اعتقادات خرافی در بین ترکمن ها
- کلته ، بابا ، تحقیقاتی در مورد نژاد شناسی ترکمن ها، آکادمی علوم ترکمنستان - انستیتوی تاریخ، باستان شناسی و نژادشناس
- اعظمی راد ، دردی ، **نگاهی به فرهنگ مادی و معنوی ترکمن ها**
- جرجانی ، موسی ، **زن ترکمن**
- نوری یانی ، تایماز ، **تاریخ و رفتار اجتماعی ترکمن ها در یک نگاه**
- نفیسی ، سعید (۱۳۸۲). **تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران** . جلد اول . تهران: دنیای کتاب،
- Turkmen people(2009).**The Free Encyclopedia .Retrieved** . Available at:
http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Turkmen_people&oldid=317829351
U.S. Census Bureau(2005). Population by Selected Ancestry Group and Region.
- Ghaznavid Dynast(2009).**Encyclopædia Britannica. Ultimate Reference Suite**. Chicago: Encyclopædia Britannica .
- Seljuq(2009).**Encyclopædia Britannica. Ultimate Reference Suite**. Chicago: Encyclopædia Britannica .
- Qājār Dynasty(2009).**Encyclopædia Britannica. Ultimate Reference Suite**. Chicago: Encyclopædia Britannica